

سقراط

ا. ای. تیلر

مترجم:

مهدی کهندانی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تهران، ۱۳۹۱

سرشناسه: تیلور، آلفرد ادوارد، ۱۸۶۹ - ۱۹۴۵م.

Taylor, A. E. (Alfred Edward)

عنوان و نام پدیدآور: سقراط / مولف ا. ای. تیلور؛ مترجم مهدی کهندانی؛ ویراستار علیرضا پلاسید .
مشخصات نشر: تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۱.
مشخصات ظاهری: ۱۶۵ ص.

شابک: 978-964-426-601-0

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: عنوان اصلی: Socrates, 1975.

یادداشت: کتابنامه .

یادداشت: نمایه .

موضوع: سقراط، ۴۶۹ - ۳۹۹ ق.م.

موضوع: Socrates :

شناسه افزوده: کهندانی، مهدی، ۱۳۶۰ - مترجم

شناسه افزوده: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رده بندی کنگره: ۱۳۹۱ س۷/ت۹/B۳۱۶

رده بندی دیویی: ۱۸۳/۲

شماره کتابشناسی ملی: ۳۷۸۷۳۵۱



سقراط

مؤلف: ا. ای. تیلور

مترجم: مهدی کهندانی

ویراستار: علیرضا پلاسید

ناشر: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مدیر نشر: ناصر زعفرانچی

ناظر چاپ: مجید اسماعیلی زارع

نسخه پرداز: فرزانه صادقیان

آماده سازی: عرفان بهاردوست

حروف نگار و صفحه آرا: زینب جهانبان

طراح روی جلد: اعظم صادقیان

اجرای جلد: عطا... کاویانی

چاپ اول: ۱۳۹۱

تیراژ: ۵۰۰ نسخه

چاپ و صحافی: پردیس دانش

ردیف انتشار: ۹۱-۳۲

بها: ۶۰۰۰ تومان

حق چاپ برای پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی محفوظ است.

ISBN 978-964-426-601-0

شابک ۹۷۸-۹۶۴-۴۲۶۶۰۱-۰

نشانی: تهران، صندوق پستی: ۱۴۱۵۵۶۴۱۹، تلفن: ۳-۸۸۰۴۶۸۹۱، فاکس: ۸۸۰۳۶۳۱۷

تقدیم به

شاگردان و استادان

دانشکده کینگزوود، باث

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فهرست مطالب

یادداشت مترجم	۱
۱. مقدمه	۵
۲. زندگی متقدم سقراط	۲۹
۳. زندگی متأخر سقراط: محاکمه و مرگ او	۷۵
۴. اندیشه سقراط	۱۱۳
یادداشت کتابشناختی	۱۵۱
نمایه	۱۵۱

یادداشت مترجم^۱

آلفرد ادوارد تیلر^۲ (۱۸۶۹-۱۹۴۵)، فیلسوف ایدئالیست بریتانیایی، در ۲۲ دسامبر ۱۸۶۹ در آوندیل،^۳ شهری کوچک در نورث‌مپتینشر^۴ واقع در ۸۰ مایلی لندن، به دنیا آمد. او بیش از هر چیز به جهت نوشته‌های ایدئالیستی‌اش دربارهٔ مابعدالطبیعه، فلسفهٔ دین، فلسفهٔ اخلاق و تبحرش در افلاطون شناخته شده است. وی عضو فرهنگستان بریتانیا^۵ (۱۹۱۱)، و از ۱۹۲۸ تا ۱۹۲۹ عضو انجمن ارسطو^۶ بوده است. تیلر تحصیل کردهٔ دانشکدهٔ کینگزوودِ باث،^۷ و نیو کالج آکسفورد^۸ بود و در ابتدا، متأثر از مکتب ایدئالیسم بریتانیایی، مخصوصاً نئو-هگلینیسم،^۹ و در دوران کشمکش در اروپا مدافع برجستهٔ ایدئالیسم در دنیای آنگلو-ساکسون بود. او از ۱۹۰۸ تا ۱۹۲۴ در دانشگاه سنت آندروز^{۱۰} و از ۱۹۲۴ تا ۱۹۴۱ در دانشگاه ادینبره^{۱۱} استاد فلسفهٔ اخلاق بوده است. تیلر سرانجام در ۳۱ اکتبر ۱۹۴۵ درگذشت.

نخستین اثر مهم تیلر با عنوان *عناصر مابعدالطبیعه*^{۱۲} در ۱۹۰۳ منتشر شد، که او در آن دربارهٔ ایدئالیسم بریتانیایی، و در اثر دیگری با عنوان *آیا خدا وجود دارد؟*^{۱۳} که در ۱۹۴۵ منتشر شد، دربارهٔ مابعدالطبیعهٔ خدا باورانه ایفای نقش کرد. او در کنار فرنسیس مک‌دانلد کورنفرد،^{۱۴} یکی از بزرگ‌ترین افلاطون‌شناسان زمان خود شناخته می‌شود. مهمترین اثر او *افلاطون: انسان و آثارش* بود که در ۱۹۲۶ منتشر شد. دیگر آثار مهم وی عبارتند از:

^{۱۵} مسئلهٔ رفتار: پدیدارشناسی اخلاق، ۱۹۰۱.

^{۱۶} تامس هابز، ۱۹۰۸.

^{۱۷} افلاطون، ۱۹۰۸.

^{۱۸} اپیکوروس، ۱۹۱۱.

۲ سقراط

جنگ سقراطی، ۱۹۱۱.^{۱۹}

مکتب افلاطون و تاثیر آن، ۱۹۲۴.^{۲۰}

افلاطون: انسان و آثارش، ۱۹۲۴.^{۲۱}

دیوید هیوم و امر معجزه‌آسا، ۱۹۲۷.^{۲۲}

ایمان اخلاق‌گرایان: درس‌گفتارهای گیفورد در دانشگاه سنت آندروز، ۱۹۲۶-۱۹۲۸

۱۹۲۸.^{۲۳}

سقراط: انسان و اندیشه‌اش، ۱۹۳۲.^{۲۴}

مطالعات فلسفی، ۱۹۳۴.^{۲۵}

اثر پیش رو ابتدا در سال ۱۹۳۲ با عنوان *Socrates: The Man and His*

Thought و سپس در سال ۱۹۵۱ با عنوان *Socrates* منتشر شده است.

بر خود لازم می‌دانم از آقای علیرضا پلاسید، که علاوه بر ویراستاری ترجمه حاضر اغلاط آن را نیز تصحیح کردند، تشکر کنم. دکتر هدایت علوی تبار در ترجمه یک جمله به مترجم کمک کردند که بدین وسیله از ایشان تشکر می‌کنم. همچنین از آقای ناصر زعفرانچی، مدیر انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، که به انتشار این ترجمه همت گماشتند تشکر می‌کنم.

مهدی کُهندانی

پی‌نوشت یادداشت مترجم

۱. مطالبی که در اینجا درباره نویسنده بیان می‌شود عمدتاً از منبع ذیل که در صفحه اینترنتی

<http://www.giffordlectures.org> نقل شده، اخذ شده است:

M. MacKinnon, revised by Mark J. Schofield, *Oxford Dictionary of National Biography* (Oxford University Press, 2004), <http://www.oxforddnb.com/view/article/36426>.

2. Alfred Edward Taylor

3. Oundle

4. Northamptonshire

5. British Academy

6. Aristotelian Society

7. Kingswood School, Bath

8. New College, Oxford

9. neo-Hegelianism

10. St Andrews

11. Edinburgh

12. *Elements of Metaphysics*

13. *Does God Exist?*

14. Francis Macdonald Cornford

15. *The Problem of Conduct: A Study in the Phenomenology of Ethics*, 1901.

16. *Thomas Hobbes*, 1908.

17. *Plato*, 1908.

18. *Epicurus*, 1911.

19. *Varia Socratica*, first series, 1911.

20. *Platonism and Its Influence*, 1924.

21. *Plato: The Man and His Work*, 1926.

22. *David Hume and the Miraculous*, 1927.

23. *The faith of a moralist: Gifford lectures delivered in the University of St. Andrews*, 1926-1928.

24. *Socrates: The Man and His Thought*, 1932.

25. *Philosophical Studies*, 1934.

مقدمه

زندگی یک مرد بزرگ، به ویژه هنگامی که او به عصری دور تعلق دارد، ممکن نیست هیچ چالشی در اسنادش نباشد. حتی هنگامی که چنین اسنادی فراوان باشند، کار زندگی‌نامه‌نویس در واقع تفسیر آنهاست؛ او باید در پس اسناد ناب به هدف و سرشت نهفته در آنها نفوذ کند، و تنها با بهره‌گیری از تخیلی سازنده می‌توان چنین کاری کرد. درباره دو چهره تاریخی که عمیق‌ترین تأثیر را بر زندگی بشر داشته‌اند، عیسی و سقراط، روایات و اسناد قطعی فوق‌العاده کم است؛ شاید تنها یک گزاره درباره هر یک از ایشان وجود داشته باشد که کسی بتواند آن را انکار نکند و عقلانیتش به پرسش گرفته نشود. این که عیسی «در زمان پونتئوس پیلاتوس^۱ شکنجه و کشته شد» قطعی است، و قطعیت آن کمتر از این نیست که سقراط به جرم بی‌دینی در «سال لاکس»^۲ (۳۹۹ ق.م) در آتن اعدام شد. هر گونه گزارشی از هر کدام، که از چنین گزاره‌ای فراتر رود، ناگزیر برداشتی شخصی به شمار خواهد آمد. از این رو، حتی این خلاصه بی‌پیرایه باید با نکاتی درباره منابعی که نویسنده آن داده‌های برداشت خاص خود را از آنها گرفته، و اصولی که او را در استفاده‌اش از آنها راهنمایی کرده‌اند، عرضه شود. از این رو، حتی مختصری این چنین بی‌حاشیه را

نویسنده باید با توضیحاتی چند درباره منابعی که مواد برداشت خود را از آنها استخراج کرده، و اصولی که راهنمای او در بهره‌گیری از آنها بوده است مطرح کند. خود سقراط درباره اندیشه و اعمال خودش هیچ سندی به جای نگذاشت. انجام ندادن این کار از جانب او نتیجه مستقیم ویژگی جامعه‌ای است که او به آن تعلق داشت. این که او چنین کاری انجام نداد، پیامد مستقیم ویژگی جامعه‌ای است که وی عضوی از آن بود. گرچه آن بخش از زندگی سقراط که ما درباره آن بیشترین اطلاع را داریم، دوران کهنسالی او، تا دوره‌ای متفاوت و با خوشبختی کمتر امتداد یافته بود دوره‌ای متفاوت که به نسبت با مشقت بسیاری به درازا کشید، او به لحاظ اصل و نسب و پرورش مردی بود از دوره درخشان پریکلس؛^۳ در واقع او در زمان مرگ این دولتمرد مردی با بیش از چهل سال سن بود. آن زمان، آتینان آن عصر گران‌قدر کتاب‌نویشته بودند؛ آن دوره دوره تراژدی‌های برجسته بود، و نه دوره ادبیات منشور. به همین دلیل، صرف نظر از تنها اشاره‌ای راه‌گشا و البته نه کاملاً قطعی، هیچ نوشته یا سندی از آن عصر درباره عمل یا گفته سقراط تا حدوداً پنجاه سالگی‌اش در دست نداریم. هنگامی که شاعران کم‌دی‌پرداز معروف، آریستوفانس^۴ و آمیسیاس،^۵ هر دو به دلیلی او را آماج تمسخر کم‌دی‌های باب روز خود در سال ۴۲۳ پ م قرار دادند، او چهل و هفت سال یا بیشتر سن داشت؛ کم‌دین سوم دیگری،^۶ ائوپولیس، دو سال بعد از همین رویه پیروی کرد. ما هنوز هزلیه درخشان آریستوفانس، /برها، را در اختیار داریم؛ البته با ویراستی که شاید نویسنده دستکاری کرده باشد. این تنها مدرک درباره سقراط است که تاریخ آن به زمانی قبل از مرگ خود او برمی‌گردد.

تأثیر عمیقی که محاکمه و مرگ این فیلسوف بر جا گذاشت، خیلی زود به خلق آثاری ناب منتهی شد که مردان جوان‌تر تحت تأثیر او بر آن شدند یاد او را با به تصویر کشیدن شخصیت و گفتگوی او در آنها حفظ کنند. بیشتر این آثار از بین رفته است، اما هنوز مجموعه محاورات حیرت‌انگیزی را داریم که افلاطون سقراط را در آنها چهره اصلی قرار داد، *خاطرات* مدافعانه از استاد به قلم کسنوفون،^۷ به همراه یک یا دو اثر کوچک‌تر او از همان دست، و چند صفحه‌ای از محاورات سقراطی از سومین فرد هم‌روزگارش، آیسخینس اسفتوسی.^۸ به هر روی برای هر گزارشی از فیلسوف ما، اینها منابع اصلی به شمار می‌آیند. مسئله، آشنایی با شیوه درست برخورد با آنهاست. این مهم است که به یاد داشته باشیم هر سه این نویسندگان سال‌های زیادی شاگرد نورسیده قهرمان‌شان بودند: افلاطون حدود چهل و سه سال جوان‌تر از سقراط بود؛ کسنوفون به طور قطع از او هم چند سالی جوان‌تر بود؛ و هرچند ما هیچ تاریخ دقیقی برای آیسخینس نداریم، باید به تقریب معاصر با دو تن دیگر باشد.^۹ بنابراین، هیچ یک از این سه تن ممکن نیست خاطرات قابل اعتمادی از دوران قبل از سن چهل و پنج سالگی سقراط داشته باشند؛ هنگامی که آنان درباره اوج جوانی او یا دوران آغازین زندگی او به ما می‌گویند، از روی آگاهی‌های دست اول صحبت نمی‌کنند.^{۱۰}

زندگی‌نامه، به عنوان شکل شناخته‌شده‌ای از ادبیات و به عنوان شاخصه دوران اسکندر، تنها در قرن سوم پ م (۳۰۰-۲۰۰ پ م) در میان یونانیان رواج یافت. [تا آن زمان،] فلاسفه و نیز شعرا برای گروهی از خوانندگان آماج کنجکاوی شده بودند و تعدادی از نویسندگان بر آن شدند به این کنجکاوی پاسخ دهند. آثاری که به این